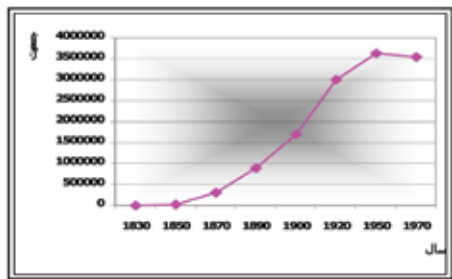




نگرشی بر ناگفته‌های مکتب شیکاگو در مطالعات شهری

دکتر مصطفی محمدی ده چشمه
دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران

بدین منوال که این شهر در جنوب دریاچه میشیگان، در غرب شهر صنعتی و مرکز اتومبیل آمریکا (دترویت) و در غرب واشنگتن مرکز سیاسی اداری آمریکا قرار گرفته است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۲). در جنوب این شهر کوه‌های آپالاش به عنوان بزرگترین مرکز معدنی آمریکا قرار دارند. موقعیت شهر محل تلاقی خطوط آهن، راه آبی و تمرکز مراکز صنعتی و تجاری آمریکا می‌باشد که خود عامل تبدیل شدن این شهر به کانون سرمایه داری آمریکا شده است (رهنمایی، ۱۳۸۶: ۴۵). نقشه شماره ۱ موقعیت شهر شیکاگو را نشان می‌دهد.



نمودار ۱: تحولات جمعیتی شهر شیکاگو از ۱۸۳۰ تا ۱۸۷۰

۲- تحولات جمعیتی در شهر شیکاگو

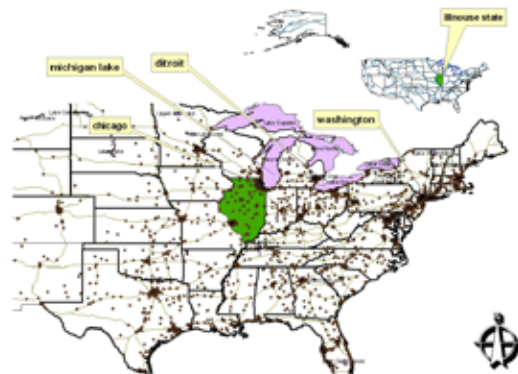
شهر شیکاگو در سال ۱۸۳۰ روستایی چند ده خانواری بوده، هنگامی که در سال ۱۸۳۳ به صورت یک شهر درآمد، جمعیتش ۳۵۰ نفر بود، در سال ۱۸۳۷ به کسب منشور شهری نایل می‌شود ولی خیلی زود معلوم شد که این منشور برای کنترل و حل مشکلات آن کافی نخواهد بود. در سال ۱۸۵۰ و ۱۸۷۰ جمعیت این شهر به ترتیب بالغ بر ۳۰,۰۰۰ و ۳۰۰,۰۰۰ نفر اعلام شده است. در دهه هفتم قرن نوزدهم مقام دومین شهر آمریکا را از فیلادلفیا ربود و در سال ۱۹۰۰ جمعیتی بالغ بر ۱,۷۰۰,۰۰۰ نفر را در خود جای داد. این شهر در سال ۱۹۲۰ (اوج شکوفایی مکتب شیکاگو) به یک کلان شهر سه میلیون نفری را تبدیل شد. این شهر در سال ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ جمعیتی در حدود ۳,۶۲۰,۹۶۲ نفر و ۳,۵۵۰,۴۰۳ نفر را در خود جای داده بود (25 Register.R, 2002). این در حالی است که بعد از گذشت نزدیک به یک قرن و نیم جمعیت این شهر شاهد نرخ رشد منفی گشت. نمودار شماره ۱ نشان دهنده رشد جمعیتی انفجاری و غیر قابل کنترل شهر شیکاگو در طول یک قرن و نیم می‌باشد به نحوی که جمعیت این شهر از ۳۵۰ نفر در سال ۱۸۳۳ به ۳,۵۵۰,۴۰۳ نفر در سال ۱۹۷۰ رسید.

۳- فرآیندهای اجتماعی اثربخش

فرآیندهای اجتماعی اثر بخش بر حیات اجتماعی شیکاگو به نوعی منشعب از جریانات اکولوژیک حاکم بر کشور آمریکا می‌باشد. باز توزیع جمعیت بدون شک مهم ترین دلیل بر رشد انفجاری جمعیت در شهر شیکاگو

چکیده

توسعه شهری در هر دوره مستلزم نظام فکری عقلایی و تفکر فلسفی - ایدئولوژیک قالب‌بندی شده در مکاتب، نظریه‌های علمی، بستر قانونی و سیاست گذاری کارآمد برگرفته از ظرف زمان و مکان می‌باشد. بر این اساس بشر نیز در طول حیات خود کوشیده است همه فعالیت‌های خود از جمله آرایش فضایی زمین را بر مبنای اصول ایدئولوژیک و اعتقادی ساماندهی کند. از این رو شهر به عنوان نمودی نوین از تمدن بشری و کانون تقدس، ثروت و قدرت، پدیده‌ای مستقل و خودگردان نیست؛ بلکه بخشی از ساخت جامعه و تبلور عینیت یافته‌ای از نیازهای اساسی گروه‌های مختلف اجتماعی ساکن در آن می‌باشد که از شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک ناظر بر آن تأثیر می‌پذیرد و در هر دوره نمایانگر تفکر سازندگان آن می‌باشد. حال آنکه شکل گیری این گزاره‌های ایدئولوژیک خود تابعی از شرایط و بستر مکانی - زمانی زایش این مبنای فکری اثر بخش می‌باشند، تا جایی که مطالعه این نظرگاه‌ها بدون توجه به بستر زمانی و مکانی آن عقیم می‌ماند. در این پژوهش زمینه‌های شکل گیری و بلوغ مکتب شیکاگو از منظر عوامل بستر ساز آن، دیدگاه‌ها و اصول نظریات و نظریه پردازان این مکتب مورد مطالعه قرار می‌گیرند. واژه‌های کلیدی: مکتب شیکاگو، شهر شیکاگو، تحولات جمعیتی، مطالعات شهری، قیاس انداموارگی.



نقشه ۱: موقعیت نسبی شهر شیکاگو در کشور آمریکا

شیکاگو قبل از مکتب شیکاگو ۱- موقعیت شهر شیکاگو

شهر شیکاگو در شمال شرقی ایالت لینویس (یکی از ایالات مرکزی آمریکا)، و در جنوب غربی دریاچه میشیگان قرار گرفته است. از نظر موقعیت نسبی این شهر دارای جغرافیای استراتژیک خاص خود می‌باشد.



فرایند پذیرش، یگانگی و همبستگی اقوام

در حقیقت خشونت حاکم بر مناسبات فردی بصورت رقابت فردی و اجتماعی بروز یافت و توسعه اشکال دفاع از خود در قالب همبستگی و مناسبات قومی، نژادی و خویشاوندی و تعلقات فرهنگی. این دو روند اجتماعی متناقض در قالب الگوهای دینامیک متفاوت همراه با اشغال زمین شدت یافتند تا مبنایی برای شکل دهی به دیدگاه‌های مکتب شیکاگو محسوب شوند (ساوج و وود، ۱۳۸۲: ۱۰۵).

در نتیجه باید گفت که شهر شیکاگو به دلیل ایجاد امکان توافق بر سه مسئله اصلی بستر ساز انتخاب و مد نظر قرار گرفت و نه به خاطر عوامل ذاتی شهر. این عوامل عبارتند از:

توسعه اقتصادی و تقسیم کار جدید

کنش‌ها و گرایش‌های متفاوت اجتماعی

عرضه فعالیت‌ها و دخالت‌های سیاسی محلی بین دو جنگ جهانی

۵- شکل‌گیری دانشگاه شیکاگو

با توجه به اوضاع نابسامان شهر شیکاگو، وجود زمینه‌هایی برای خروج از بحران لازم بود. در این اثنا دانشگاه شیکاگو در یک فضای کاملاً متضاد و در سال ۱۸۹۰ در شهر شیکاگو و با هدف بالابردن سطح علمی شهروندان و توسعه مسیرهای علمی جدید شکل گرفت. در این دوره با توجه به شرایط اجتماعی موجود شهر شیکاگو توجه به علوم اجتماعی بالا گرفت و این در حالی است که بستر تحولات علوم اجتماعی جایی به جز شهر نبود (روپرت و مودر، ۱۹۹۶: ۱۲۳). شکل‌گیری علم جامعه‌شناسی تجربی به عنوان گام نخست در شکل‌یابی مکتب شیکاگو در مطالعات شهری نیز در این دوره صورت گرفت.

۶- شکل‌گیری مکتب شیکاگو

در این زمان شرایط آمریکا و شهر شیکاگو برای اتخاذ برداشتی نو در قبال اشغال فضا مناسب بود. پس از شکل‌گیری دانشگاه شیکاگو و اهمیت‌یابی مطالعات علوم اجتماعی و فراگیر شدن مباحث شهری زمینه‌ها برای شکل‌گیری مطالعات بر مبنای فکری و ایدئولوژیک خاص فراهم شد. در این مورد دانشگاه شیکاگو و دانشکده علوم اجتماعی با تعریف حدود و ثغور یک جامعه‌شناسی کاربردی شهری بسیار مؤثر بودند. در این احوال و با توجه به اینکه شیکاگو مانند بسیاری دیگر از شهرهای آمریکایی به عنوان آزمایشگاه عظیمی برای مطالعات اجتماعی بدل شده بود، بستر سازی اولیه برای شکل‌گیری مکتب شیکاگو برداشته شد (فرید، ۱۳۸۱: ۴۵).

همزمان در سال ۱۹۱۶ مطالعه محیط انسان ساخت و محیط اجتماعی برای اولین بار بوسیله رابرت ازارا پارک و ویلیام تامس جامعه‌شناس مکتب شیکاگو صورت گرفت. این مکتب بعدها با عنوان اکولوژی انسانی شیکاگو، زمینه را برای شکل‌یابی بوم‌شناسی اجتماعی شهر فراهم کرد. این مکتب رویکردی عمدتاً محیط‌شناختی داشت و به همین دلیل با نام محیط‌شناسی شهری نیز مطرح گشت. نگاه مکتب شیکاگو (در نظریات جدید) به شهر که از آن بعنوان محیط‌شناسی شهری نیز یاد می‌کنند، نگاهی انتقادی و بحث‌برانگیز می‌باشد. این دیدگاه با قیاس انداموارگی، شهر را همچون پهنه‌ای جغرافیایی در نظر می‌گیرد که

بوده است که عمدتاً در قالب مهاجرپذیری این شهر را بعنوان یک شهر چند ملیتی معرفی کرد. اولین ساکنین شهر شیکاگو را بیشتر بومیان سیاه پوست شکل می‌دادند. این در حالی است که در سال ۱۸۴۵ تعداد ساکنین غیر بومی در شهر شیکاگو رو به فزونی نهاد. اکثر این مهاجرین غیر بومی از آلمان، ایرلند و کشورهای اسکاندیناوی آمده بودند. در دهه‌های بعد از ۱۳۴۵ هجوم مهاجرین اروپای شرقی به سوی شیکاگو آغاز گشت تا شیکاگو در سال ۱۸۹۰ به عنوان یک کلان شهر چندملیتی با مبنای جمعیت ناهمگون و ساختار اجتماعی ناهمگن شناخته شود (توسلی، ۱۳۸۲، ۲۱۰). شکل‌گیری فرقه‌های اجتماعی چون کنیسه یهودیان و مذاهب گوناگونی چون پروتستان و کاتولیک‌ها در شهر شیکاگو متأثر از مبنای متفاوت ملیتی، حیات اجتماعی شهر را به نحوی متمایز کرده بود. این در حالی است که بعد از جنگ جهانی دوم تا حدودی جریان مهاجرت به این شهر به علت کنترل مهاجرین کند شد. با این وجود جریان مهاجرت سیاه پوستان به این شهر که عمدتاً از طریق میسی سیتی انجام می‌گرفت عاملی گشت تا این شهر ملجایی مناسب برای سیاهپوستان محسوب شود. در نهایت رشد در مقیاس وسیع جمعیت در شیکاگو را می‌توان نتیجه‌ای از روند مهاجرت ملی و فرا ملی در شهر شیکاگو دانست.

۴- چرا شیکاگو؟

سؤالی که منطقی هم به نظر می‌رسد اینکه چرا و چگونه شهر شیکاگو به چنین موقعیتی نایل می‌شود تا مبدایی برای زایش مکتبی علمی و فرا ملی بنام مکتب شیکاگو شود؟ عوامل مؤثر بر شکل دهی موقعیت شهر شیکاگو را می‌توان در قالب دو عنوان کلی عوامل مکانی و عوامل اجتماعی خلاصه کرد.

الف- عوامل مکانی

- شیکاگو در جنوب دریاچه میشیگان، در غرب شهر صنعتی دترویت و واشنگتن قرار دارد
- شیکاگو محل تلاقی راه آهن و راه آبی قرار دارد
- موقعیت بندری شهر شیکاگو
- برخورداری از منابع و مواهب طبیعی

ب- عوامل اجتماعی

متأثر از عوامل مکانی شیکاگو به شهری مهاجرپذیر تبدیل شد
- شیکاگو به عنوان شهری چند ملیتی با منشأ اجتماعی متفاوت مطرح شد
- بازار کار وسیع و مرکزیت تجاری، مالی و بازرگانی
مجموع عوامل فوق ترکیبی از شکوفایی و رونق رشد صنعتی، اقتصادی و افزایش ثروت و تراکم را در شهر شیکاگو به همراه داشت. از طرفی ناهمگنی جمعیت، تراکم، مرزبندی‌های اجتماعی، تضعیف ساختارهای اجتماعی، گرایش متنوع در زندگی، بی‌قانونی، نابرابری و تضاد و ... از نتایج موقعیت اجتماعی و مکانی شهر شیکاگو محسوب می‌شوند.
در این دوره حیات اجتماعی شیکاگو با دو فرآیند متناقض مواجه شد: رقابت برای کسب درآمد، مسکن، زمین، ثروت و ...



در آن جریانات اکولوژیکی همچون جامعه گیاهی و حیوانی رخ می دهند (واکن لشت، ۱۹۹۷: ۱۴). انگیزه‌های اصلی اجتماعی توجیه کننده این مکتب رشد سرسام آور جمعیت شهری، ورود مهاجرین، ناهمگنی جمعیت، جدایی گزینی اجتماعی و در کل معضلات روز افزون اجتماعی در شهرها می باشد.

۷- روش شناختی در مکتب شیکاگو

روش شناختی مکتب شیکاگو در مطالعات شهری بیانگر واقعیات زیادی می باشد و در حقیقت خود عامل تمایز، شناخت و اهمیت یابی این مکتب شده است. اصول کلی در روش شناختی مکتب شیکاگو به صورت زیر قابل ترسیم می باشند:

- مشاهده دقیق واقعیت‌های اجتماعی

- تدوین توصیف و تک نگاری‌های شهری (Bulmer, 1984, 186)

- مطالعات و تحلیل‌های تطبیقی

- تلاش برای تدوین زندگی نامه خانواده مهاجرین و ریشه‌یابی محل سکونت، علل مهاجرت، انگیزه‌ها، آمال و خواسته‌ها

- موضوع مورد توجه پیروان این مکتب مشکلات شهری و در حقیقت آسیب شناسی شهری می باشد (فکومی، ۱۳۸۳: ۱۴)

در کل این گروه از محققین بدنبال اصلاح اجتماعی بودند و معتقدند که نه برخورد‌های اخلاقی و نه برخورد‌های سرکوب گرایانه در مواجهه با مشکلات شهری راه به جایی نمی‌برند، در نتیجه برای مبارزه با چالش‌های اجتماعی و مشکلات زندگی شهری چاره‌ای جز شناخت دقیق سازوکارها و تحلیل آنها وجود ندارد (Michel, 1993, 15). نکته مشخص اینکه روش شناختی پیروان و صاحب نظران مکتب شیکاگو در مطالعات شهری به نوعی با روش شناختی در مکتب جغرافیای رفتاری که در آن به دنبال ادراک محیطی و تفسیر نقشه‌های ذهنی افراد، به واقعیت‌های اجتماعی پنهان آنان پی برده می‌شود، بسیار نزدیک است. یعنی در حقیقت درون‌یابی افراد جامعه شهری جهت آگاهی یافتن از آمال، آرزوها، خواسته‌ها، گرایش‌ها، انگیزه‌ها، بایدها و نه بایدهای شهروندان، روش این مکتب و هدف نهایی آن اصلاح اجتماعی می باشد.

۸- ایدئولوژی مکتب شیکاگو در مطالعات شهری

رویکرد مکتب شیکاگو به شهر که عامل جهت دهی به تفکرات نظریه پردازان این مکتب شده است، رویکردی برگرفته از قیاس انداموارگی می باشد. این گروه از شهر به عنوان موجودی زنده و پویا یاد می‌کنند که دستخوش جریانات اکولوژیکی می‌گردد. از این رو شهر را به مثابه جامعه حیوانی و گیاهی مورد مطالعه قرار می‌دهند. شکل گیری نظریاتی چون شهر- جنگل بر این اساس ارائه شده است. در این زمینه پارک در اولین اثر خود «توصیه‌هایی در مورد رفتار انسانی در محیط شهر» شهر را آزمایشگاه رفتار انسانی وصف می‌کند، بر این اساس جهت گیری مطالعات این مکتب بنحوی بود که به ناگاه ریشه خود را در نظریه زیست شناختی اسپنسر و دیدگاه تکاملی داروین یافت (ممتاز، ۱۳۸۲: ۴۵). در این دوره داروین‌سنیم اجتماعی (از جمله مفاهیم توجیه کننده نابرابری اجتماعی) بر اساس مفاهیمی چون بقای اصلح و انتخاب طبیعی استوار شد. در واقع پارک با بررسی ارگانسیم و محیط بر آمده از زیست شناسی،

روش شناختی خود را از دورکیم و نظریه خود را از چارلز داروین گرفت، چرا که پارک در واقع جامعه شناسی متأثر از مکتب و فلسفه آلمان بود.

در این مکتب مطالعه جامعه به دو سطح صورت می‌گیرد:

- زیر ساخت زیستی (اکولوژی)

- روبنای فرهنگی (نظم و رای اکولوژی)

در این مکتب جامعه انسانی دو بعدی وصف شده که یک بعد آن ماهیت انسانی متأثر از رقابت برای بقا و برتری اصالت فایده و بعد دیگر آن تجلی وفاق و اهداف مشترک. که اولی مبتنی بر آزادی فردی و دو می معلول ذهن جمعی می باشد (پیران، ۱۳۷۴: ۱۸۵). اصل جهت دهنده به مطالعات این مکتب در مطالعات شهری رقابت برای منابع اساسی زندگی می باشد. رقابتی که برای ایجاد تعادل است و در نهایت منجر به همکاری رقابت آمیز می گردد. چراکه افزایش در اندازه یک جمعیت خاص، توأم با گسترش شبکه حمل و نقل و ارتباطات می گردد که در نهایت خود منجر به تخصصی شدن کارکردی و پیوندهای محکم اجتماعی می گردد. در مجموع سه مؤلفه تعیین کننده دیدگاه مکتب شیکاگو می باشد.

الف- جامعه زیستی

اولین و عام ترین وجه مشخص کننده دیدگاه‌ها در مکتب شیکاگو در جامعه زیستی متبلور می‌شود. جایی که این سؤالات همواره مطرح می‌باشند (واکن لشت، ۱۹۹۷: ۵):

چرا مردم با افرادی خاص رابطه برقرار می‌کنند؟

چگونه پیوندها و تعلقات گروه‌های اجتماعی توسعه می‌یابند؟

چگونه این پیوندها در طول زمان دگرگون می‌شوند؟

نکته مشخص این که جامعه زیستی مرکب از نظم نه چندان آشکار بین مردم می باشد که در قالب جامعه و اجتماع می‌گنجد.

اجتماع: ماهیت روابط رقابت طلبانه فردی

جامعه: عامل همکاری و وفاق اهداف مشترک

ب- شیوه‌های دگرگونی جامعه زیستی

این عامل به چگونگی فرآیندهای جامعه زیستی در آمریکای قرن بیستم اشاره دارد. بر اساس دیدگاه پارک رشد و تحول اقتصادی، سازمان کهنه اقتصادی و اجتماعی جامعه را که مبتنی بر پیوندهای خانوادگی، همبستگی‌های محلی فرهنگ، طبقه و منزلت بود را، دگرگون می‌کند و یا در هم می‌ریزد و برای جایگزینی آن را با سازمانی مبتنی بر تعلقات شغلی و حرفه‌ای و تقسیم کار و... تغییر می‌دهد.

ج- اصلاح اجتماعی

توجه به امور سیاسی از گرایشات قابل توجه در مکتب شیکاگو بود. چنان که گفته شده عاملی که باعث گرد آمدن طرفداران و پیروان این مکتب بوده است، ایده‌ها و جهت گیری سیاسی لیبرال آنها است. نظریه پردازان این مکتب در حقیقت بدنبال نوعی مردمسالاری آمریکایی برای دست یابی به خواسته‌هایشان بودند. در این مکتب متغیرهای اساسی اقتصاد سرمایه داری و نظام انتخاباتی لیبرال- دموکرات پذیرفته شده است (شپلینگ، ۱۹۸۱: ۱۳۲).



۹- شیکاگو و نظریه پردازان

۱- ویلیام تامس و زنانینسکی از نخستین چهره‌های مؤثر در مکتب شیکاگو بودند که مباحثی چون مهاجرت، گروه‌های اقلیت قومی، شرایط زنان، انحراف اجتماعی و نابرابری فضایی را مطرح کردند. این دو محقق در زمینه تک‌نگاری‌ها، سبکی نوین ابداع کردند که نتیجه آن در تک‌نگاری عظیم درباره دهقانان لهستانی متبلور شد.

۲- رابرت ازارا پارک معروف‌ترین چهره مکتب شیکاگو به شمار می‌رفت. وی که قبل از ورود به دانشگاه در سن ۴۹ سالگی، دبیر انجمن دفاع از حقوق مدنی سیاه پوستان جنوب آمریکا بود، در اولین تحقیق خود حرکت مهاجرین، بی‌خانمان‌ها، کنترل اجتماعی - تحمیلی، خرده فرهنگ‌ها و گنوها را در شهر شیکاگو مورد بررسی قرار داد. وی در بررسی‌های خود پهنه طبیعی شهری که بخشی از شهر بدون طرح از پیش تعیین شده است را مطرح نمود و نمونه‌های آن را محله‌های چینی، ایتالیایی و پورتوریکوئی بیان کرد. وی همچنین به تبعیت از رویکرد داروینی (تنازع برای بقا) فرآیند تقسیم فضای شهری را تشریح نمود.

۳- ارنست برگس به عنوان جامعه‌شناس کانادایی از جمله شخصیت‌های تأثیرگذار در تفکرات مکتب شیکاگو بود. وی با تحلیل فرآیندهای اکولوژیکی شهر، آنها را در قالب رقابت، سلطه، جان‌سپینی و تهاجم در شهر ارائه و بر این اساس الگوی گسترش فیزیکی شهر شیکاگو را در دوایر متحدالمرکز ترسیم نمود. برگس در فرآیند تقسیم فضایی شهر، الگوی ارتقای اجتماعی ساکنین را مطرح نمود و بیان کرد که این فرآیند به صورت سلسله مراتبی از مرکز به پیرامون شهر اتفاق می‌افتد.

۴- از جمله شخصیت‌های متأخر اثرگذار در مکتب شیکاگو می‌توان به مکزی و ویرت اشاره کرد. ویرت در رساله خود با نام گنو و مقاله‌ای بنام شهر نشینی به عنوان شیوه‌ای از زندگی، ناپایداری اجتماعی و نابرابری فضایی حاکم به شهر را تشریح کرد.

مکتب شیکاگو عملاً در اواخر دهه ۱۹۳۰ زیر فشار روش‌شناسی جدید با رویکرد کمی‌گرایانه در علوم اجتماعی تاب‌نیاز و از میان رفت.

۱۰- نتایج

نگاه اکولوژیکی به شهر بر پایه قیاس انداموارگی استوار است که در آن شهر به جامعه حیوانی و گیاهی تشبیه شده است. برداشت نظریه پردازان در این مکتب برگرفته از نوعی داروین‌یسم اجتماعی بوده که در آن فرد در معرض نوعی رقابت و هم‌چشمی برای حیات قرار می‌گیرد. این مکتب نشان می‌دهد که جدال گروه‌های اجتماعی در فضای شهر، چگونه به انواع فضاها جان می‌دهد و فضا را مهم‌تر از جنبه‌های کالبدی و فیزیکی، مقوله‌ای اجتماعی - اقتصادی می‌داند. در واقع در این مکتب جبر شهری در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم است که جریان‌ات شهری را جهت‌دهی و عامل تولید فضا می‌شود. در نهایت باید گفته شود که:

- این مکتب به فضای شهر به عنوان بستر تحولات توجه بنیادینی ابراز نداشت و تلاش خود را مصروف اجتماع و افراد آزادی می‌کرد که در جامعه شهری در جوار یکدیگر زندگی می‌کردند.

- مدل‌های ارائه شده توسط نظریه‌پردازان این مکتب مناسب حال و وضعیت شهرهای ناهمگون ایالات متحده و عمدتاً شهر شیکاگو بودند و در حقیقت تحولات فکری و اصول ایدئولوژیک مکتب شیکاگو زائیده بستر مکانی و زمانی شهر شیکاگو بوده و تعمیم آن به سایر نقاط جهان بدور از ابهام نمی‌باشد. برای نمونه در تعمیم اصول مکتب شیکاگو در مطالعه اکولوژیکی شهر پاریس توسط شومباردولوو می‌توان مشاهده نمود که به علت گذشته تاریخی شهر پاریس و تعلقات فرهنگی مردم در این شهر، ایده‌های نظریه پردازان متأثر از مکتب شیکاگو در آنجا پاسخگو نبود.

- به رغم مشابهت میان محیط انسانی و محیط گیاهی - جانوری، اختلافات قابل توجهی در این مورد می‌توان ذکر کرد:

- وابستگی به نظام تخصصی کار و مبادلات جهانی عاملی است تا انسان‌ها کمتر با نظام بلافصل خود وابسته باشند.
- انسان امروزی نشان داده است که توانایی فائق آمدن بر محیط طبیعی را داراست.
- انسان‌ها زندگی خود را بر یک جامعه زیستی بنا نموده اند اما بر فراز این مجموعه زیستی، ساختاری تعریف شده دارند که ریشه در سنن و آداب و رسومشان دارند.

- تأکید قابل توجه به نیروهای اکولوژیکی و نپرداختن به جایگاه ارزش‌های فرهنگی از ایرادات بزرگ مکتب شیکاگو می‌باشد.

- رقابت در مناسبات شهری را می‌توان نمودی از وضع سرمایه‌داری به شمار آورد و آن را به طور کامل به رقابت بر سرکسب منابع نسبت نداد. در نتیجه نابرابری اجتماعی تجلی یافته در گنوها و محلات فقیرنشین تأثیر اجتناب‌ناپذیر فرآیندهای اجتماعی می‌باشند چرا که افرادی که در این نواحی زندگی می‌کنند به دلیل نبود فرصت انتخاب بهتر در این شرایط گرفتار آمده‌اند.

منابع و مأخذ

- ۱- پیران، پرویز، ۱۳۷۴، دیدگاه‌های نظری در جامعه‌شناسی شهر و شهرنشینی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۵۱-۵۲
- ۲- توسلی، غلامعباس، ۱۳۸۲، مبانی جامعه‌شناسی شهری، انتشارات دانشگاه پیام نور
- ۳- ساوج، مایک و آلن وود، ۱۹۹۴، جامعه‌شناسی شهری، ترجمه ابوالقاسم پوررضا، انتشارات سمت
- ۴- شبلینگ، ژاک، ۱۳۸۵، جغرافیا چیست؟ ترجمه سیروس سهامی، انتشارات محقق
- ۵- فرید، یدالله، ۱۳۶۸، جغرافیا و شهرشناسی، انتشارات دانشگاه تبریز
- ۶- فکوهی، ناصر، ۱۳۸۳، انسان‌شناسی شهری، انتشارات نی
- ۷- روپرت، هودر، ۱۹۹۶، جغرافیای توسعه، ترجمه ناصر اقبالی و آیتاهاپریان، نشر کلمه
- ۸- رهنمایی، محمد تقی، ۱۳۸۶، درسنامه نظریه‌های اجتماعی شهر، دوره دکتری، دانشگاه تهران
- ۹- ممتاز، فریده، ۱۳۸۲، جامعه‌شناسی شهری، انتشارات سمت
- ۱۰- مهدزاده، جواد، ۱۳۸۳، نظریات جامعه‌شناختی در مطالعات شهری، مجله جستارهای شهرسازی، شماره ۹
11. Register.R. 2002. Ecocities Building cities in Balance with Nature. Berkeley hill books.
12. Bulmer. martin. 1984. Chicago school of sociology. university of Chicago
13. Michel. Jean, 1993. The tradition Sosiology in Chicago. paris seuil. 2002.